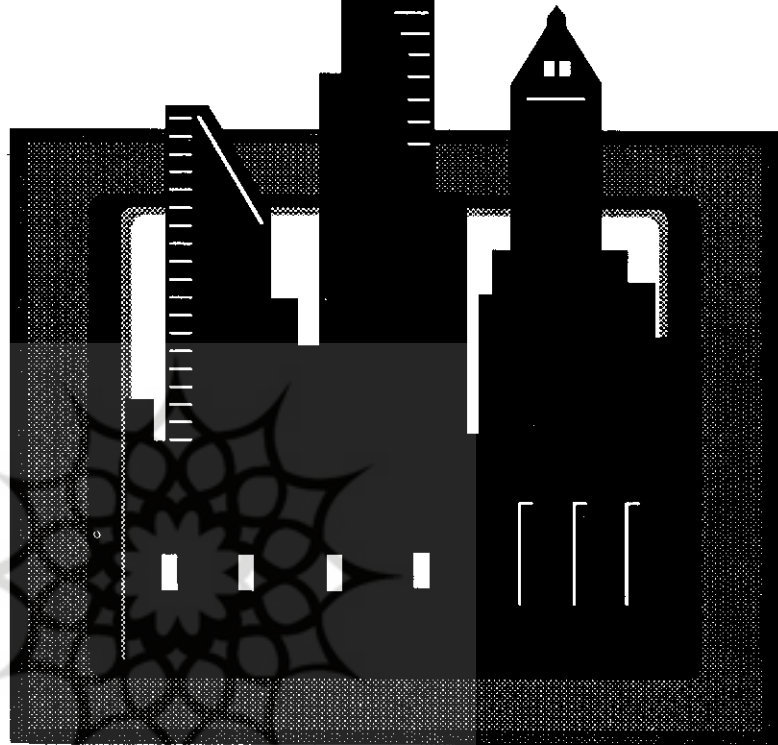


باورسازی مثبت تلویزیونی



● هالوفرده. فرچایلد
ترجمه: شاهرخ بهار

پیشانی آنان خورده است اثر منفی برجای گذارد. (آبلیز، ۲، ۱۹۸۰).

چنین استفاده‌ای از این رسانه به سبب پتانسیل جامعه‌گرایانه تلویزیون، موجب سرخوردگی بیشتر نیز می‌گردد. پژوهش‌های فراوان در خصوص آثار اجتماعی تلویزیون در حال حاضر توان این رسانه را در بالابردن همفکری و سنخیت میان اشخاص، همکاری، حل مسائل بدون توسل به خشونت، و از بین بردن پیشداوریهای نژادی یا جنسی و تیپهای ثابت و قراردادی نشان داده است (راشتون، ۵، ۱۹۷۹).

نتیجه‌گیری کلی از این پژوهشها آن است که تلویزیون، جدا از هر محتوایی که دارد، ممکن است تأثیری نمایان بر تماشاگران خود داشته باشد. با وجود این، یکی از مسائل مهم در این زمینه فقدان برنامه‌ریزی کافی با کیفیتی جامعه‌گرایانه بوده است (هاوز، ۱۹۷۸؛ راشتون، ۱۹۷۹).

«رزم‌آوران کیهان»

به منظور کمک به حل این مسأله من مدتی از وقت خود را صرف «نوشتن خلافتانه»^۶ کردم و ایده یک برنامه تلویزیونی آموزشی را بوجود آوردم. من در شروع این تلاش خلافتانه به تعدادی از ضروریات برخورد کردم. چنین برنامه‌ای ناگزیر می‌باید برای بینندگان مورد نظر جالب توجه و پرکشش باشد. این برنامه می‌باید هماهنگی میان نژادها و همچنین مبادلات مثبت میان فرهنگها را اعتلا ببخشد و همچنین سیمای قراردادی و ثابت اقلیتها و زنان غیر اقلیت را از میان بردارد و الگوهای مثبتی از نظر نقش و تجربیات مشترک میان اقوام بوجود آورد و نیز می‌باید مبنای ارزشی جامعه‌گرایانه و مناسب ایجاد کند.

ایجاد ایده اصلی «رزم‌آوران کیهان» (فرچایلد، ۲، ۱۹۸۲) به تفصیل شرح داده شده است. به‌طور خلاصه تولید یک برنامه الگو مانند تلویزیونی طبق ایده مزبور، وجود تیمی

همان اندازه مسأله‌ساز بوده است. (ویکل و ۲، ۱۹۸۲) گزارش دادند که روابط و حشرونشر میان نژادها تنها یک درصد از برنامه‌ریزی شبکه‌های تلویزیونی برای کودکان را تشکیل داده است.

سیمای زنان به پایبند بودن آنان به تیپهای سنتی ایفاکننده نقش سکسی محدود بوده است. شخصیت زنان به صورت یک تیپ منفعل در قلمرو خانه و یا در نقشهای سنتی زنان (از قبیل معلم، پرستار یا منشی) وصف شده است.

بسدینسان علی‌رغم پتانسیل اجتماعی تلویزیون که مورد تأیید واقع شده است، کاربرد تلویزیون تا این تاریخ تحت سیطره خشونت و چهره منفی اقلیتها و زنان غیر اقلیت بوده است. این تصاویر علاوه بر ناقص و قراردادی بودن، ممکن است بر عزت نفس اعضای طوایف و اقوامی که داغ ننگ بر

تاکنون، بخش اعظم توجه پژوهشگران معطوف آثار خشونت بر تماشاگران تلویزیونی بوده است. نتایج دهها سال پژوهش در این زمینه به وضوح آشکار می‌سازد که خشونت در رسانه‌ها ممکن است بر موضع‌گیریها یا رفتارهای خشونت‌آمیز دست‌کم بخشی از تماشاگران اثر بگذارد.

آنچه در این زمینه مورد توجه قرار گرفته، عبارت بوده است از:

تأثیرات ناشی از ترسیم ثابت و قراردادی گروههای اقلیتها قومی آمریکا و زنان که در زمره اقلیتها نیستند. در واقع، رسانه‌های جمعی از سیاهان و سایر اقلیتهای آمریکایی در همه دوره‌های تاریخ، تصاویری قراردادی بدون نشان‌دادن خصایص فردی آنها ارائه کرده‌اند.

فقدان برنامه‌ریزیهای تلویزیونی که تأثیر متقابل نژادها بر یکدیگر را تصویر کنند نیز به

مغرب از جوانان بزرگسال متشکل از نژادهای مختلف و دو جنس مذکر و مؤنث را که نقشهایی ضد قراردادی برعهده بگیرند ایجاب می‌کرد. آنان می‌بایست به سایر سیاره‌ها سفر کنند تا مسائل ناشی از درگیری میان گروه‌ها را خاتمه دهند. این برنامه برای کاستن از پیشداوریهای مشخص شده در فرضیه تماس که در پژوهش راجع به روابط نژادی (آپورت، ۱۹۵۴) مطرح گردیده است، چند وضعیت را در هم ادغام می‌کرد: این تیم متشکل از قهرمانانی مثبت بود که از پایگاهی مساوی و اهدافی مشترک برخوردار بودند. آنان در محیطی تقریباً دوستانه و خودمآبی با یکدیگر همکاری داشتند و از پیامدهای موفقیت‌آمیز کارهای خود لذت می‌بردند. آنگاه فرمول «رزم‌آوران کیهان» در یک مقاله و یک فیلمنامه تشریح گردید و سپس در لوس‌آنجلس با تأمین هزینه از سوی وزارت آموزش و پرورش آمریکا (فرچایلد، ۱۹۸۴) در یک ایستگاه پخش عمومی تولید شد و سرانجام «رزم‌آوران کیهان» در لس‌آنجلس در تابستان ۱۹۸۱ روی آنتن رفت.

این برنامه پنج مبارز در فضا را معرفی می‌کرد: لوگان (سیاهپوست بزرگسال مذکر)، جیم (سیاهپوست نوجوان مذکر و قهرمان اصلی داستان)، سوزان (یک نوجوان آسیایی مؤنث)، تام (سفیدپوست نوجوان مذکر) و میگل (نوجوان مکزیکی - آمریکایی مذکر) هر یک از «رزم‌آوران کیهان» از یک مهارت یا توانایی مفید و منحصر به فرد مثل تله‌پاتی، دانش تاریخی، علوم کامپیوتری و عملیات آکروباتیک، برخوردار بودند. برنامه نمونه اولیه «رزم‌آوران کیهان» را علیه یک عوامفریب طرفدار هیتلر به مبارزه وامی‌داشت، این شخص جدایی میان نژادها و اقوام و جدایی میان گروه‌های سنی را تبلیغ و موعظه می‌کرد. در یک جدل دراماتیک، جیم عوامفریب مزبور و ایدئولوژی جدایی خواهانه او را مغلوب کرد.

ارزیابی «رزم‌آوران کیهان»

به منظور ارزیابی آثار این برنامه بر تماشاگران، روش سه مرحله‌ای در پیش گرفته شد تا به وسیله آن در ابتدا محتوای برنامه،

سپس ادراک تماشاگر درباره محتوای آن برنامه، و سرانجام آثار و محتوای برنامه بر موضعگیریها و رفتار بین افراد مورد ارزیابی قرار گیرد.

نخستین پژوهش که تحلیلی مفصل و عینی از محتوای برنامه بود، تناسب زمان ظهور کل پرسوناژها را بررسی می‌کرد و نشان می‌داد که گروه‌های قومی و مؤنث و مذکر چندبار و چه مدت در برنامه ظاهر می‌شوند. نتایج این تحقیق بیان می‌داشت که سفید پوستان در ۶۴ درصد از زمان برنامه حضور داشته‌اند. سیاه‌ها ۵۹ درصد، آسیاییها ۲۵ درصد، هیپانیکها ۲۵ درصد، افراد مذکر ۸۷ درصد و افراد مؤنث ۴۶ درصد در صحنه حضور یافته بودند. اعمال متقابل میان نژادها ۴۰ درصد از زمان حضور انسانها را تشکیل می‌داد. پژوهش دوم که تحلیل ادراک بینندگان بود در مورد ۱۰۴ دانشجوی دانشگاه به عمل آمد و این عده مایه‌ها و تأثیر برنامه را مورد داوری قرار دادند. این دانشجویان برنامه مزبور را در گروه‌های کوچک تماشا کردند و سپس آن برنامه را در پرسش‌نامه مورد ارزیابی قرار دادند. دانشجویان مزبور با گزارش دادن در مورد چهار درون مایه برنامه، مایه‌های اجتماعی برنامه را به درستی تشخیص دادند و ۶۲ درصد آنان نیز به زندگی مسالمت‌آمیز بین قهرمانان اشاره کردند. سایر درون مایه‌هایی که طبق گزارش این دانشجویان در برنامه مزبور از برجستگی خاصی برخوردار بود عبارت بود از همکاری میان افراد (۳۲ درصد) و هماهنگی نژادی (۳۵ درصد). با وجود آنکه تقریباً نیمی (۴۳ درصد) از دانشجویان گفتند که این برنامه تأثیر چندانی بر آنها نداشته است، برخی از دانشجویان معتقد بودند که برنامه مزبور موضع‌گیریهای موجود آنان را تقویت کرده است (۱۵ درصد)، حساسیت آنان را نسبت به تبعیض نژادی افزایش داده است (۲۴ درصد) و یا توجه آنان را به مسائل روی کره زمین شدت بخشیده است (۱۴ درصد).

پژوهش سوم آزمایشی مستقیم بود که گروهی وسیع‌تر شامل ۹۴۸ دانش‌آموز مدارس عمومی را دربر می‌گرفت. از میان این تعداد ۴۹۴ تن از آنان در کلاسهای پنجم و

ششم تحصیل می‌کردند (یعنی سن آنان بین ده تا یازده سال بود)، و ۴۵۴ نفر دیگر در کلاسهای هفتم و هشتم درس می‌خواندند (یعنی سن آنان بین ۱۲ و ۱۳ سال بود). اکثر دانش‌آموزان این مدارس سیاهپوستان و هیپانیکها بودند.

دانش‌آموزانی که در کلاسهای درس آزمایش نشده تحصیل می‌کردند در برابر سه وضعیت قرارداد شده بودند: تماشا «رزم‌آوران کیهان» بدون بحث و مناظره؛ تماشا «رزم‌آوران کیهان» به همراه یک بحث، و تماشا «رزم‌آوران کیهان» در یک فیلم درباره حیوانات (قلمرو وحوش). انگیزه استفاده از یک وضعیت توأم با بحث به سبب مطالعه نوشتارهای تحقیقی ایجاد شد، برای مثال منافع مثبت بحثهای مرتبط با رسانه‌ها و فعالیتهای مربوط به آنها را به اثبات رساند. (وید و پول، ۱۹۸۳).

به دانشجویان یک پرسشنامه بدون محدودیت داده شد که جاذبه و قابل قبول بودن مایه‌های این برنامه را ارزیابی می‌کرد و همچنین ارزش و هویت پرسوناژها را مشخص می‌نمود. تصاویری از هفت پرسوناژ اصلی این برنامه به دانشجویان نشان داده شد و از آنها پرسیده شد: «به نظر شما این شخص به عنوان یک بازیگر مرد یا زن تا چه اندازه رضایت بخش است؟» و «تا چه حد دوست دارید مثل این شخص باشید؟» علاوه بر آن سؤالاتی درباره احساس نسبت به چهار گروه قومی نژادی (آسیاییها، سیاهان، مکزیکی - آمریکاییها، و سفیدها) نیز از آنان به عمل آمد. این سؤالات به گونه‌ای عبارت‌پردازی شده بود تا هم برای بحث و هم در شرایط کنترل شده مناسب باشد.

نتایج حاصل شده دلالت بر آن داشت که این دانش‌آموزان برنامه «رزم‌آوران کیهان» را جالب‌تر از «قلمرو وحوش» تشخیص دادند (بحث درباره آن برنامه بیشتر مورد علاقه دانش‌آموزان دبستانها بود و تماشا آن برنامه بدون بحث، بیشتر مورد علاقه دانش‌آموزان

سالهای اول دبیرستان واقع شد). دانش‌آموزان مورد آزمایش غالباً از درونمایه‌های این برنامه جانبداری می‌کردند. مثلاً «بهترین کار آن است که با اتحاد و همکاری مسائل را حل کنیم» و «برخی از رهبران می‌توانند مردم را به جان یکدیگر بیندازند». این دانش‌آموزان همچنین نظر مساعدی نسبت به پرسوناژهای «رزم‌آوران کیهان» داشتند و با آنان احساس نزدیکی می‌کردند. این مسأله بیشتر در مورد «جیم»، پرسوناژ اول داستان صدق می‌کرد که نوجوانی مذکر و سیاهپوست بود.

چنانکه انتظار می‌رفت جنسیت به همذات‌پنداری با پرسوناژ ارتباط پیدا می‌کرد و دانش‌آموزان مؤنث بیش از دانش‌آموزان مذکر با پرسوناژهای مؤنث خود را یکی می‌پنداشتند. احساسات دانش‌آموزان نسبت به گروه‌های مربوط به خود و سایر گروه‌های قومی به تماشای «رزم‌آوران کیهان» ارتباطی پیدا نمی‌کرد (فردچایلد، ۱۹۸۴).

این پژوهش‌ها شواهد و مدارکی دربارهٔ پتانسیل ایدهٔ «رزم‌آوران کیهان» در جهت جلب و حفظ توجه یک گروه تماشاگر جوان و ایجاد مبنایی برای در پیش گرفتن ارزشهای مثبت مربوط به گروه‌های نژادی و جنسی ارائه داد. با وجود این از بسیاری جهات، پژوهش در خصوص «رزم‌آوران کیهان» از نظر ماهوی محدود بود زیرا نوار ویدئویی یک عامل متغیر نبود. این نوار با وجود آنکه حاوی مضامین گوناگونی بود اما کلاً انگیزه‌های ثابت در وجود تماشاگران پدید می‌آورد. در نتیجه، برخی از پرسشهای جالب توجه‌تر این پژوهش قابل بررسی نبود، مثلاً این پرسش: «کدامیک از خصوصیات برنامه به کدام نتایج منتهی می‌شود؟».

بازآفرینی «رزم‌آوران کیهان»

پس از هفت‌سال کار پژوهشی و خلاق من یک نوار نمونهٔ سی‌دقیقه‌ای و نیز اطلاعاتی از یک رشته تحقیقات که مؤثر بودن این نوار در مدارس را نشان می‌داد تهیه کردم. من می‌توانستم با آن نوار به تحقیق خود ادامه دهم، اما احساس کردم که راجع به یک برنامهٔ نمونهٔ تلویزیونی متعادل در حد کافی تحقیق شده است. آنچه از آن پس بدان نیاز داشتم یک

مسیر جدید و تلاش در راه بهبود ایدهٔ اولیه و تولید یک سریال تلویزیونی بود که هم برای پخش و هم برای استفاده در کلاس درس مناسب باشد. چنین چیزی مسلماً کار متداول یک روانشناس اجتماعی نیست!

من هنگام طرح‌ریزی برنامهٔ «رزم‌آوران کیهان» به چهار موضوع توجه داشتم:

۱) حفظ کشش برنامه، ۲) حفظ درونمایه‌های اجتماعی برنامه، ۳) ایجاد زمینه‌ها و طرح‌هایی که بتواند عملاً تولید شود و ۴) تدوین برنامهٔ کار تحقیقی که با تولید



این برنامه توأم باشد.

من به کیفیت خود این برنامه نمونه نیز توجه داشتم. با وجود آنکه تماشاگران استقبال مثبتی از این برنامه به عمل آورده بودند، من از چند جنبه این برنامه راضی نبودم. نخست آنکه این برنامه با توجه به تصاویر ضد قراردادی آن کامل و بی‌نقص نبود. در برخی از صحنه‌ها، درگیری در یک سیارهٔ بیگانه به‌نحوی تصویر می‌شد که در آن برخی از بازیگران اقلیت به کارهای قراردادی و سنتی می‌پرداختند. دوم آنکه این برنامه نمونه در ارائهٔ مایه‌های اجتماعی خود بیش از اندازه «موعظه‌گرانه» عمل می‌کرد. بحث میان آن عوامفریب مورد بحث و جیم بیش از اندازه حال و هوای شاعرانه داشت و از «اکشن»^۱ و حادثه بسیار به‌دور بود.

سوم آنکه نوع بازیگران برنامهٔ «رزم‌آوران کیهان» اجازه نمی‌داد که برخی از گروه‌های دیگر نیز در آن ترسیم شوند. همگی زنان

سیاهپوست و هسپانیک و مردان آسیایی کم‌وبیش وجود خارجی نداشتند. از این گذشته تحلیل محتوای برنامه نشان دادن می‌داد که در ارائهٔ افراد متعلق به گروه‌های مختلف، وقت به نسبت مساوی تقسیم نشده است (و در نتیجه بعید نیست که پایگاه اجتماعی آنان نیز هم‌طراز یکدیگر جلوه‌گر نشده باشد). غلبه بر این مشکلات دشوار بود.

نمایش «رزم‌آوران کیهان» چندین سال به‌صورت غیرمستمر ادامه پیدا کرد تا آنکه سرانجام بار دیگر به نوشتن خلاقانه روی آوردم. نتیجهٔ این کار خلاق طرح سریالی است موسوم به «رزم‌آوران کیهان؛ یک ماجراجویی پرتحرک در فضا». عنوان این سریال جدید عنوان‌گویی است؛ گروهی از قهرمانان جوان، هستهٔ مرکزی این سریال را تشکیل می‌دهند. این جوانان که به عنوان بخشی از یک کولونی متحرک، در فضای کیهانی دنیا آمده‌اند طی آموزش خود به سفرهای اکتشافی در فضا و طی آن به حل درگیریهایی پردازند و این اعمال، هستی آنان را توجیه می‌کند. در این برنامه از فنون انیمیشن هنری استفاده خواهد شد و بدینسان از بسیاری از مخارج و هزینه‌های دست‌وپاگیر مرتبط با تولید سریالهای پرتحرک و پرحادثه و تخیلی - علمی پرهیز می‌شود.

این برنامه یک هدف سه‌گانه را دنبال می‌کند: سرگرم‌کردن، ارائهٔ مایه‌های اجتماع‌گرایانه و اطلاع‌رسانی. در ارتباط با سومین هدف، سریال «رزم‌آوران کیهان؛ یک ماجراجویی پرتحرک فضایی» در زمینهٔ اکتشافات فضایی «علم واقعی» را ارائه خواهد داد. اطلاعات ارائه شده در این برنامه از نظر علم و دانش کنونی دربارهٔ فرآیندهای نجومی و سایر زمینه‌های علمی صحیح و دقیق خواهد بود. پیامهای ظریفتر و اجتماعی‌تر این برنامه در الگوبرداری از مساوات میان اقوام و جنسیتها تبلور خواهد یافت.

سریال مزبور با وجود آنکه برای تماشاگران جوان ساخته شده است (از کودکان خردسال تا نوجوانان زیربست‌سال)، از گفتارها و گفتگوهای خاص «بزرگسالان» و موقعیت‌های مربوط به افراد بزرگسال استفاده

خواهد کرد و در نتیجه تماشاگران مسن‌تر را نیز به خود جلب خواهد نمود. سایر برنامه‌های موفقیت‌آمیز نیز برای همین گروه‌های سنی دارای کشش هستند، از قبیل، فیلم «ای‌تی»، موجود فرازمینی»، «سریال سفر به ستارگان» ایده برنامه

زمان، تقریباً دو بیست سال بعد از زمان ما مکان، در عرشه سفینه «آریل» با هدف اکتشاف در مناطق دوردست فضا. به دلیل وجود فواصل مکانی (و در نتیجه زمان مسافرتها) در این سریال، مسافرتها در فضای کیهانی نسلاً به درازا می‌کشد. سفینه «آریل» بسیار غول‌پیکر است. این سفینه در فضا ساخته شده و حجم آن بیش از یک کیلومتر مکعب است. «آریل» برای آنکه در خود به صورت مصنوعی جاذبه‌ای نظیر جاذبه زمین پدید آورد به دور خود می‌چرخد و تعداد سرنشینان آن ۱۵۵۳ نفر است.

قهرمانان داستان، رزم‌آوران کیهان که نخستین کودکان زاده شده در فضا به‌شمار می‌روند جهت سفرهای اکتشافی در فضا آموزش‌های ویژه‌ای دیده‌اند. نخستین گروهی که همراه یکدیگر هستند از ۱۶ رزم‌آور تشکیل شده‌اند. آنها از نظر جنسیت مذکر و مؤنث به دودسته مساوی تقسیم شده‌اند و گروه‌های عمده نژادی نیز در این سریال بازنمایی گردیده‌اند. علاوه بر این، آنها چندملیتی و چندزبانی هستند.

یکی از نکات مورد تأکید در این برنامه گسترش روابط هماهنگ میان شوروی و آمریکا خواهد بود. شخصیت‌های عمده سریال از تبار مردم شوروی و مردم آمریکا خواهند بود و هماهنگ با یکدیگر کار خواهند کرد. سایر شخصیت‌های عمده نماینده مردم کره زمین خواهند بود. سفینه «آریل» از یک نظر قرار است یک «سازمان ملل» سیار باشد.

رزم‌آوران کیهان با توجه به آموزش‌های حرفه‌ای خود (مثلاً هدایت سفینه فضایی دانش فیزیک در امور جاذبه، مهندسی برق و زیست‌شناسی، گیاه‌شناسی و غیره) هر کدام یک کارشناس به‌شمار خواهد رفت.

فعالیتها؛ رزم‌آوران کیهان کارشناسان فضا هستند بخشی از آموزش آنان شامل فراگیری

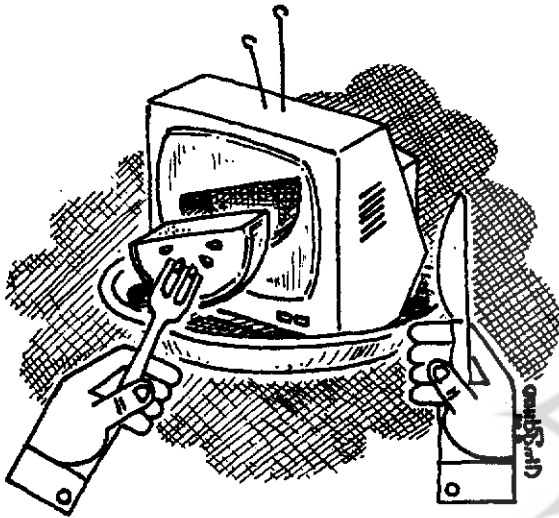
دانش منظومه شمسی است و هولوگرام‌های انیمیشن برای آنان و تماشاگران ابزاری جهت آموزش علوم مربوط به سیاره‌ها به‌شمار می‌روند. پس از توسعه یک «استار درایو»^{۱۱} که اجازه می‌دهد در فضا، زمان از سرعت نور تجاوز کند، رزم‌آوران به اکتشاف در نقاط دوردست فضا می‌پردازند و به سراغ مکانها و اشیایی به شرح زیر می‌روند: حفره‌های سیاه، ستارگان دارای اشعه ایکس، سیستم‌های دوگانه نجومی، سایر کهکشانها، پولسارها، ستارگان نوترونی، و جهانهای دیگر. مواد و مطالب این برنامه به صورت دروسی سرگرم‌کننده در علم نجوم و علم هیأت ارائه داده خواهند شد و بر تئوری علمی کنونی و واقعیت‌های موجود منطبق خواهند بود. خمیر مایه این داستان تخیلی شامل تماس با سایر اشکال حیات و تمدنها خواهد بود. (تأکید بر امکان پذیر بودن امور از نظر علمی به قوت خود باقی خواهد ماند) رزم‌آوران کیهان با فجایع و خطراتی روبه‌رو خواهند شد که غلبه بر آنها مستلزم هوش و همکاری است.

به «مسئله حیات در فضا» توجه فراوانی مبذول خواهد شد. اشکال نوین تفریح و سرگرمی، ورزش و زندگی اجتماعی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

مایه‌های اجتماعی؛ هدف از این سریال تهیه الگوهای مثبت برای روابط بین اشخاص و افراد ویژه روابط میان جنسیتها و اقوام است. پرسوناژها، نقشهایی را به عهده خواهند گرفت که بر پایگاههای اجتماعی مثبتی استوار خواهد بود و تلاشهای توأم با همکاری در رسیدن به اهداف مشترک را نشان خواهند داد. برخی از برنامه‌ها صراحتاً با حل و فصل مسالمت‌آمیز درگیری میان اشکال حیات که در فضا با آنها برخورد می‌شود سروکار خواهد داشت. فی‌المثل در یک اقدام، رزم‌آوران کیهان، شکاف میان دوفرقه در حال جنگ را پرمی‌کنند و با توسل به جنگ، صلح را برای جهان به ارمغان می‌آورند.

کشش
سریال «رزم‌آوران کیهان» یک ماجرا جویی پرتحرک فضایی روی محبوبیت عظیم داستانهای تخیلی - علمی نژد تماشاگران پیر و

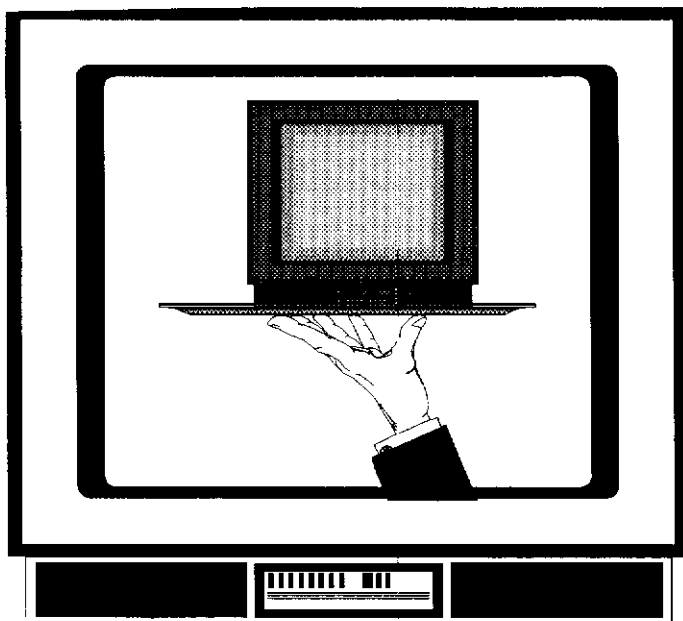
جوان بطور یکسان، سرمایه‌گذاری کرده است. کاربرد انیمیشن به کمک کامپیوتر بر جاذبه و کشش این سریال به ویژه برای تماشاگران جوان می‌افزاید. این برنامه به عنوان یک داستان پرماجرا و پرحادثه توجه و تخیل کودکان و نوجوانان را سخت به خود جلب خواهد نمود. این برنامه از طریق ارائه دانش واقعی - توضیحات حقیقی و صحیح و تئوریهای معتبر مربوط به ساختار کیهان - برای بزرگسالان نیز دارای جاذبه و کشش خواهد بود. موسیقی متن پرتحرک نیز بر



جذابیت این سریال خواهد افزود.
بحث

پیشنهاد فوق‌الذکر در مورد برنامه تلویزیونی، نمایی از پتانسیل ایده «رزم‌آوران کیهان» را در مقابل دیدگان ما قرار می‌دهد. مسلماً مشکلاتی چند باقی مانده است از قبیل تأمین هزینه، مشخص ساختن یک بنگاه تولیدکننده، نوشتن سناریوها و غیره. اینها مشکلات کم‌اهمیتی نیستند و من غیرممکن بودن تولید نهایی این سریال را تشخیص می‌دهم. با وجود این، نخستین گام عبارت است از ارائه یک پیشنهاد با جزئیات کامل آن که در اینجا به آن می‌پردازیم.

اصلاً چه معنایی دارد که یک روانشناس اجتماعی سرگرم برنامه‌ریزی خلاق برای تلویزیون باشد؟ آیا این وظیفه را نباید به عهده کارشناسان خبره آن صنعت گذاشت؟ پاسخ من بدین سؤال آن است که تلویزیون به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار و گسترده در تحولات



اجتماعی در جامعه ما باید بخشی از مبنای کار و پیشه دانشمندان علوم اجتماعی را تشکیل دهد و توجه وی را مدام به خود جلب کند. کارشناسان رفتار انسانی را باید مستقیماً در خلق موضوعها و مطالبی که به تماشاگران ارائه داده می شود مشارکت داشته باشند. روانشناسان اجتماعی و دانشمندان علوم اجتماعی بطور عام تر باید علم و دانش را در بطن جهان واقعی و در جهت حل مسائل جهان عینی و واقعی به کار بندند.

در مورد پژوهش چه باید گفت؟ پیشینه و تجربه حرفه ای من به عنوان یک روانشناس اجتماعی مستلزم یک برنامه تحقیقاتی جامع است، هرچند که مشکلات و پیچیدگیهای روش شناختی و ذهنی نیز وجود دارد. بطوریکه (گنز، ۱۳، ۱۹۸۰) خاطر نشان ساخت: «پژوهشگر در امور رسانه ها، این وظیفه خطیر را به عهده دارد که تأثیر رسانه های جمعی بر جامعه را از تأثیر سایر نهادها تفکیک کند و بدیهی است که مسائل روش شناختی بسیار در این زمینه در راه وی پدید می آید.»

اما دقیقاً پتانسیل سریال «رزم آوران کیهان» یک ماجراجویی پرتحرک فضایی «مرا به عنوان یک پژوهشگر بر می انگیزد و به هیجان می آورد. با ادامه این برنامه به صورت سریال، مطالعه انواع و اقسام اثرات بر رفتار اجتماعی کودکان به صورت طرحهای طولی و یا آزمایشی امکان پذیر می گردد. این گونه مطالعات دست کم باید شامل گروههای متغیر زیر باشد: خصوصیات تماشاگر از جمله شخصیت، توسعه شعور و آگاهی وی، هویت گروهی که وی عضو آن است، و عادات وی به تماشا تلویزیون، تحلیل محتوی و مضمون خود برنامه، خصوصیت و موقعیت تماشا (زمان، روز، مکان و تأثیرات اجتماعی)، فرآیندهایی که طی آزمایش یا پس از آن در کار بوده است (فرآیند اطلاع رسانی، فعالیت های بعدی)، و نتایج پیچیده و بفرنج مربوط به شعور و نیز نتایج تأثیرگذار و مشخص کننده موضوع گیرها و پیامد رفتارها.

پژوهش فزاینده و طولانی مدت، چنانکه قبلاً شرح داده شد، باید میان تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم، تأثیرات درازمدت و کوتاه مدت

و آثار تماشا می مستمر برنامه های تلویزیونی از نظر اجتماعی، تمیز قائل شود. پژوهشهای شکل دهنده باید به دنبال پرس فرست ها^{۱۳} و داده ها از سوی دانش آموزان، آموزگاران و سایرین طی تولید برنامه ها صورت گیرند. در اینجا طرحهای پیچیده تحقیقاتی باید در مسیر دادن پاسخهای سریع به سؤلهایی قرار گیرد که این سؤالات به کیفیت و پیامهای درون برنامه ها تعلق داشته باشند.

علاوه بر این شخص پژوهشگر باید در پژوهش خود راجع به آثار رسانه ها، مواظب مسائلی باشد که از گزینش در آزمایش آماری و از پرهیز از چنین گزینشی حاصل می گردد. در تعداد کثیری از پژوهشها ثابت شده است کوششهایی که در جهت تغییر مواضع و رفتارهای تماشاگران به عمل می آید عقیم می ماند، و دلیل آن این است که تماشاگران گرایش به آن دارند که به صورت گزینشی به برنامه های رسانه ها توجه نشان دهند آن هم به شیوه ای که موضوع گیرها، اعتقادات و رفتارهای فعلی آنان را بیش از پیش تقویت کند. (والاک^{۱۴}، ۱۹۸۱).

اظهار نظرهای نهایی

عده ای، کارمن روی «رزم آوران کیهان» را کم ارزش تلقی کرده اند زیرا این برنامه به اثبات رسانده است که من خود را به انجام پژوهش متعهد نکرده ام و نیز نتوانسته ام نتایج محکم و

قانع کننده ای بدست آورم.

دانشمندان علوم اجتماعی که خود را وقف تحول اجتماعی و بهبود اجتماعی کرده اند باید از مشکلات ذاتی و موانعی که در راه موفقیت وجود دارد آگاه و برحذر باشند. مطالعه مسائل اجتماعی دشوار است و تغییر دادن این مسائل نیز مسلماً بادشواری صورت می پذیرد. این واقعیت که ما ممکن است بخواهیم در اجتماع دگرگونی پدید آوریم از نظر بسیاری از مردم نوعی زنگ خطر به شمار می آید. گرایشهای سنتی در حوزه علم به سوی «عینیت»، و «گستگی عاطفی» از موضوع مورد تحقیق، به کم ارزش جلوه کردن کار دانشمندان علوم اجتماعی در زمینه های کاربردی منجر می شود.

تعهد نسبت به حل مسائل مستمر اجتماعی چه بسا مستلزم انحراف از مسیرهای سنتی یعنی مسیرهایی باشد که به پاداشهای آکادمیک منتهی می شود. خطرات در این زمینه بسیار است، اما اجر احتمالی چنین کاری از نظر من بیش از خطرات آن است. تلویزیون از طریق ایجاد نوعی حس زیستن در جامعه جهانی، اعتلای درک و شناخت متقابل فرهنگی و جلوگیری از شکل گیری تصویر خصمانه، می تواند راهی به سوی صلح باشد.

برنامه «رزم آوران کیهان» یک ماجراجویی پرتحرک فضایی اگر توان تغییر جو هنجار آفرین در روابط میان امریکا و شوروی

یا روابط میان فرهنگها و یا روابط دوجنس مذکر و مؤنث را داشته باشد، در آن صورت مستحق آن است که جهت تحقق آن تلاش لازم به عمل آید.

پرسش و پاسخ

پرسش: با توجه به خصایص قالب تلویزیون، این وسیله ظاهراً برای تصویرکردن تحرک بسیار مناسب است، لیکن برای ترسیم افکار و اندیشه‌های پرسوناژها چندان مناسب نیست، زیرا تلویزیون یک رسانه تصویری است و نمی‌تواند آنچه را که در درون پرسوناژها رخ می‌دهد نشان دهد. به نظر من، سایر رسانه‌ها، به‌ویژه رسانه چاپی، برای این منظور مناسب‌تر هستند، زیرا در رسانه چاپی، اندیشه‌های درونی را می‌توان به شیوه‌ای روی صفحه کاغذ به واژه‌ها و عبارات تبدیل نمود که انجام آن در تلویزیون به همان شیوه دشوارتر است.

نورمافشباخ^{۱۵}: به گمان من نکته موردنظر شما به خوبی درک شده است و پاسخ به آن نیز مشکل است. با وجود این، ما هنوز حقیقتاً به مقایسه این رسانه‌ها نپرداخته‌ایم و نمی‌دانیم که آیا تلویزیون یا رادیو و یا مجله‌ها و کتابها، کدام یک بهترین وسیله برای نشان دادن و برانگیختن احساسات و اندیشه‌های درونی هستند.

پرسش: شما خطاب به سوال‌کننده اول - بیش از اندازه برنامه‌های تلویزیونی آمریکا را تماشا کرده‌اید. بهتر است شما تئاتر ریدرز، تئاتر مجلسی و یا تئاتر داستانی را نیز مدنظر قرار دهید. در این تئاترها کارهای خلاقانه‌ای برای روی صحنه آوردن نوشته‌های داستانی و غیرداستانی به انجام می‌رسد. این کار را در تلویزیون نیز می‌توان انجام داد. برنامه آن تئاترها در زمره بهترین برنامه‌های رایج نمایشی است، زیرا قلمرو کاملاً نوینی از ادبیات و نوشتار را جهت اجرا ارائه می‌دهد، و این کاری است که در تلویزیون می‌توان به انجام رساند.

پرسش: دکتر وینیک^{۱۶}، آیا شما در پژوهش خود به امکان مهارت‌آموزی به خانواده‌ها نظر داشته‌اید یا نه؟ منظور من مهارتهایی است که به وسیله آنها اعضای

خانواده‌ها بتوانند به اتفاق یکدیگر کارهایی را انجام دهند که بیش از تلویزیون موجب تحکیم پیوند و ارتباط میان آنها گردد. من به عنوان آموزگار یک کالج آزاد هنری، دغدغه این را دارم که دانشجویان ما - طی مدت زمانی معین - چند کتاب مطالعه می‌کنند؟ اخیراً از یک دانشجوی سال اول پرسیدم که سال گذشته چند کتاب خوانده است و او گفت که سال گذشته اصلاً کتابی مطالعه نکرده است.

چارلز وینیک: این تأثیر متقابل از آن نوع که شما ذکر کرده‌اید در حد ناچیزی وجود داشته است، اما کمتر کسی به همت و اراده خود به چنین فعالیت‌هایی دست زده است. با وجود این چنین رویکردی دقیقاً همان چیزی است که، فارمینگتون، کانکتیکات، سعی بر تحقق بخشیدن به آن را دارند و آن عبارت است ارائه فعالیت‌های سازمان یافته جانشین که کل اعضای یک خانواده بتوانند در آنها مشارکت داشته باشند. این برنامه‌ها به‌طور کلی چندان موفقیت‌آمیز نبوده است. به گمان من نخستین مؤسسه‌ای که در کشور به اجرای چنین برنامه‌های آموزشی دست زد، مدرسه «هوراس مان» در نیویورک بود؛ مدرسه‌ای بسیار وزین و معتبر که راه‌یافتن به درون آن دشوار است. در آن مدرسه به اولیاء دانش‌آموزان گفته می‌شود که دانش‌آموزان اگر بیش از پنج ساعت در هفته تلویزیون تماشا کنند، از مدرسه اخراج خواهند شد. چنین هشداري نیز بی‌اثر بود؛ به عبارت دیگر حتی فرزندان آن دسته از پدران و مادرانی که حتی الامکان به هرکاری دست می‌زدند تا بچه‌هایشان را به کارهایی مطلوب‌تر از تماشای تلویزیون تشویق کنند، از اجرای این توصیه امتناع می‌ورزیدند.

پرسش: در مورد این مسأله که آیا تلویزیون موجب گسیختگی زندگی خانوادگی آمریکاییان می‌شود و یا پشتیبان یک چنین زندگی است چه نظری دارید؟ شما در مورد این مسأله کشفیات جالب توجهی دارید.

چارلز وینیک: در پژوهش «کاپلو»^{۱۷} و در ادامه پژوهش وی که توسط یاران و وابستگان وی در خصوص «مرکز شهر»^{۱۸} به عمل آمد، عامل وحدت بخش، اجتماعی نشان داده شده

است. در آن پژوهشها شما عملاً به مطلبی درباره تأثیر تلویزیون برنخواهید خورد، ولو آن که از زمان دو پژوهش قبل تر راجع به «مرکز شهر» تا زمان پژوهش اخیر، وجود تلویزیون بزرگترین دگرگونی را در این بخش موجب شده باشد. اما پژوهشهای مزبور یک دگرگونی عمده را به اختصار بیان می‌کند: تنها کاری که زن‌وشوهرها و اعضای خانواده‌ها به اتفاق یکدیگر انجام می‌دهند و این کار همه اقشار و طبقات را در برمی‌گیرد، چیزی نیست جز تماشای تلویزیون به‌طور دستجمعی و خانوادگی. از دهه ۱۹۲۰ و دهه ۱۹۳۰ تاکنون این یگانه تحولی است که پدید آمده است و به نظر می‌رسد که این تحول تأثیر عمده خود تلویزیون است که اعضای خانواده را در کنار هم و در پیوند با یکدیگر نگاه داشته است. من در پژوهش خود، متوجه شدم که این پدیده یک عملکرد بسیار عمده است. که در سه پنجم خانواده‌ها ذکر گردیده است.

حاشیه:

1. Holford H. Fairchild
2. Weigle
3. Howes
4. Abeles
5. Rushton & Howes
6. Creative writing
7. Fairchild
8. Allport
9. Wade & Poole
10. Action
11. Star Drive
12. Gans
13. Feedback
14. Wallack
15. Norma Feshbach
16. Dr. Winick
17. Caplow
18. Middletown

منابع:

1. Roberts and Bachen, 1981; Withey, 1980
2. Bayles, 1985; Berry, 1980; Graves, 1980; Poin dexter and Stroman, 1980; Staples and Jones, 1985
3. Morgan, 1982; Weigel and Loomis, 1981; Zuckerman, Sunger, and Sunger, 1980
4. Abeles, 1980; Berry, 1980; Rushton, 1979 ■